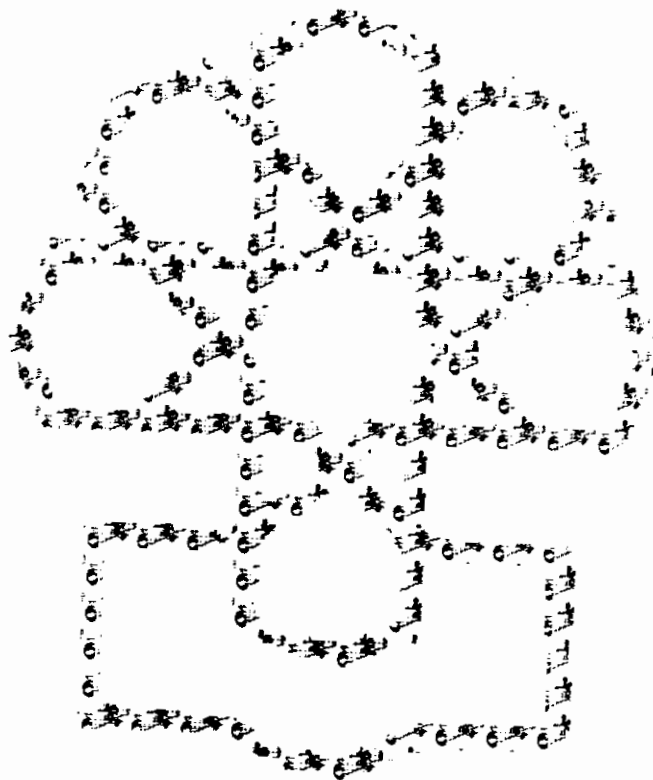


بحثی پیرامون
توسعه پایدار کشاورزی



معاونت پژوهشی
دی ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۴۱۴۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
شماره: ۱۰۹۳۶
تاریخ: ۷۸/۲/۱

بسمه تعالی

بحثی پیرامون توسعه پایدار کشاورزی

کد گزارش: ۴۱۰۴۱۴۳

اهمیت کشاورزی در اسلام

کشاورزی یکی از شغل‌های شریف و کهن در تمامی جوامع بشری است. قدمت کشاورزی را ظاهراً باید با پیدایش انسان مقارن دانست. در مجموعه معارف دینی و در قصص قرآن از پسران آدم (ع) به عنوان اولین دامدار و اولین کشاورز یاد می‌گردد.

در شرف شغل کشاورزی همین بس که خداوند رحمان نیز در قرآن صریحاً خود را کشاورز می‌داند و به عنوان حکیم و تدبیرکننده اصلی امور زرع و کشت از خود یاد می‌کند.

«افراتیم ماتحرثون. انتم تزرعونه. انحن الزارعون»

علاوه بر آن بسیاری از پیامبران نیز شغل کشاورزی یا کشاورزی و دامداری را توأماً انجام می‌داده‌اند. در کتب آسمانی دیگر از نوح (ع) به عنوان کشاورز یاد شده است و قرآن نیز با توجه به این که نوح مأمور به کاشت دانه خرما می‌شود و بنا به نقل چندین مرتبه این کار را انجام می‌دهد بر این مسئله صحه می‌گذارد. امامان ما (علیهم‌السلام) نیز بعضاً به این کار اشتغال داشته‌اند.

در مورد حضرت علی (ع) آمده است که وی به امر کشاورزی و باغداری مشغول بوده و نخلستانی را با دست‌های مبارک خویش آباد نمود. شغل آبیاری از اولین شغل‌های علی (ع) پس از استقرار در مدینه عنوان شده است.

در مورد امام باقر (ع) نیز حکایتی معروف وجود دارد که مشخص می‌نماید ایشان به امر کشت و زرع اقدام می‌نموده‌اند. در نظام اسلامی ما نیز بر اهمیت کشاورزی تأکید فراوانی وجود دارد، تا جایی که مجلس شورای اسلامی در برنامه دوم توسعه عملاً کشاورزی را محور توسعه کشور قرار می‌دهد. انتخاب کشاورزان نمونه و تقدیر از آنها نیز نمونه‌ای بارز از اهمیت نظام اسلامی به شغل کشاورزی است.

فصل اول - توسعه پایدار کشاورزی

۱- تعاریف

عبارت توسعه پایدار برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ در یکی از اعلامیه‌های سازمان ملل در ارتباط با محیط زیست و توسعه به کار رفت. در تعاریف موجود سازمان ملل، توسعه پایدار به توسعه‌ای گفته می‌شود که «نیازهای نسل حاضر را برآورده نماید بدون این که توانایی نسل‌های آتی را برای رفع نیازهای‌شان به مخاطره اندازد». در تعاریف دقیق‌تر به «توسعه‌ای که در آن سطح درآمد، ضمن حفظ منابع موارد درآمد و سایر منابع طبیعی ثابت نگه داشته می‌شود» توسعه پایدار اطلاق می‌شود.

اما برای توسعه پایدار کشاورزی نیز تعاریف مختلفی وجود دارد. طبق تعریف مؤسسه منابع جهانی

توسعه پایدار کشاورزی عبارت است از:

«نظامی که به شیوه‌ای پایا و بادوام، بهره‌وری اساسی منابع طبیعی و الگوهای زراعی را بهبود می‌بخشد به طوری که کشاورزان می‌توانند، عرضه محصولات کشاورزی را هماهنگ با رشد جمعیت و رشد اقتصادی و با توجه به محیط زیست، افزایش دهند.»

۲- اهداف

با توجه به تعریف ارائه شده برای توسعه پایدار می‌توان موارد متعددی را به عنوان اهداف برنامه توسعه پایدار کشاورزی ذکر نمود. مهم‌ترین اهداف توسعه پایدار کشاورزی را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

- ۱- حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست (خاک، آب، هوا، جنگل و مرتع و...);
 - ۲- ایجاد امنیت غذایی و برنامه‌ریزی برای تولید بیشتر متناسب با رشد جمعیت؛
 - ۳- هماهنگ نمودن فعالیت‌ها به گونه‌ای سازگار با محیط زیست و نه در جهت تخریب آن؛
 - ۴- افزایش اشتغال در بخش کشاورزی؛
 - ۵- کاربرد به‌اندازه و در حد ضرورت نهاده‌های شیمیایی مانند کودها و استفاده از کم‌ضررترین آنها در صورت لزوم.
- جان کلام این که در توسعه پایدار کشاورزی علاوه بر توجه به نوسازی کشاورزی و استفاده از جدیدترین روش‌ها برای بالا بردن عملکرد در هکتار باید توجه نمود که فن‌آوری مورد استفاده باعث آلودگی محیط زیست نشود.
- در این روش سعی می‌گردد که برای بهینه نمودن هر مرحله از مراحل کاشت، داشت و برداشت از روش‌های جدید و کم‌خطر و در عین حال پرمنفعت استفاده شود.
- به‌عنوان نمونه برای حاصلخیزی زمین به جای استفاده بی‌حد و حصر از کودهای شیمیایی می‌توان از روش‌هایی مانند تناوب زراعی و سیستم تثبیت ازت طبیعی استفاده نمود یا برای افزایش محصول می‌توان از انواع بذرهای پر بازده استفاده کرد. همچنین برای کمتر نمودن نیاز به سموم شیمیایی می‌توان از بذرهای مقاوم‌تر در برابر آفات بهره برد.
- در کشورهای توسعه یافته سعی می‌شود با استفاده از علم ژنتیک بذرهای پربازده و مقاوم در برابر بیماری‌ها تولید گردد. بدین ترتیب نیاز به کود شیمیایی جهت بالا بردن راندمان و همچنین سموم شیمیایی به حداقل مورد نیاز می‌رسد.

۳- اهمیت توسعه پایدار کشاورزی

در کشور ما کشاورزی همراه به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه مطرح بوده است. در سال‌های اخیر و در برنامه دوم توسعه اقتصادی فرهنگی اجتماعی کشور کشاورزی به عنوان محور توسعه مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته است.

علاوه بر نقش محوری کشاورزی در تولید و تأمین نیازهای غذایی مردم مواردی نظیر:

- افزایش اشتغال؛

- ایجاد درآمدهای ارزی از طریق صادرات؛

- ایجاد درآمد از طریق صنایع وابسته به بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی.

همواره در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه مسئولان قرار داشته است.

از سوی دیگر، رشد سریع جمعیت در طی سال‌های اخیر و ادامه این روند در سال‌های آینده باعث ایجاد فشار بیشتر بر منابع طبیعی می‌شود. بدیهی است که تغذیه این جمعیت که هر سال نیز با رشدی فزاینده مواجه است نیاز به تولید بیشتر و بهتر دارد. چنانچه مسئولان و برنامه‌ریزان بخواهند به نحوی برنامه‌ریزی نمایند که منابع طبیعی و محیط زیست نیز کمترین آسیب ممکن را ببینند، راهی باقی نمی‌ماند مگر توجه به نظام توسعه پایدار کشاورزی که هدف آن استفاده بهینه از منابع و کاربرد کمتر نهاده‌های غیر مزرعه‌ای به خصوص کود و سموم شیمیایی است. از نگاهی دیگر توجه به مسائلی نظیر:

- جلوگیری از فرسایش خاک؛

- جلوگیری از بیابان‌زایی و گسترش مناطق بیابانی؛

- جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و مراتع، اهمیت سیستمی مدون و مشخص جهت برنامه‌ریزی زراعی را بیش از پیش روشن می‌سازد. این نظام چیزی نیست جز توسعه پایدار کشاورزی که تمامی موارد فوق در راستای توسعه آن و حرکت به سمت اجرای هر چه منظم‌تر و گسترده‌تر این نظام تحقق می‌یابد.

۴- توسعه پایدار کشاورزی و کشاورز نمونه

یکی از روش‌های بسط و گسترش توسعه پایدار کشاورزی تأکید و توجه عملی به آن می‌باشد. از مواردی که می‌تواند در گسترش این فرهنگ تأثیرگذار باشد انتخاب کشاورز نمونه با در نظر گرفتن شرایط جدید است.

با این نگرش دیگر ملاک نمونه بودن کشاورز صرفاً تولید زیادتر از بقیه نیست، بلکه باید دید چه کسی ضمن برداشت بیشترین محصول کمترین آسیب را به منابع طبیعی رسانیده است. چه کسی کمتر و تنها در موارد ضروری از نهاده‌های شیمیایی مانند کود شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی استفاده کرده است. در حقیقت باید در انتخاب کشاورز نمونه، مدیر برتر را جانشین تولیدکننده برتر بنماییم. خوشبختانه این امر در یکی دو سال گذشته در کشور ما نیز مورد تأکید قرار گرفته و علی‌الظاهر در معیارهای انتخاب کشاورز نمونه به مسائل توسعه پایدار کشاورزی توجه شده است.

اما هنوز در ابتدای راه هستیم. حرکت به سوی توسعه پایدار کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی و حمایت همه جانبه دولت و بخش خصوصی در این امر می‌باشد.

فصل دوم- کشاورزی ترویج

۱- تعریف ترویج

نوعی خدمات آموزشی غیررسمی و خارج از مدرسه است که برای تعلیم و تأثیر بر کشاورزان (و خانواده‌های آنان) و به منظور پذیرش روش‌های اصلاح شده تولید محصولات کشاورزی و دامی، مدیریت، حفاظت و بازاریابی انجام می‌شود تا بدین وسیله بازده و درآمد تولید افزایش یابد، سطح زندگی و

استانداردهای اجتماعی و تربیتی زندگی روستایی را بالا ببرند.

۲- هدف ترویج

هدف ترویج تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش‌های کشاورزان نسبت به مشکلات‌شان می‌باشد.

۳- روش‌های ترویج

به کلیه فعالیت‌ها و فنونی اطلاق می‌شود که مروجان برای ارتباط با مردم از آنها استفاده می‌کنند. روش‌های ترویج عبارتند از:

۱- فرد با فرد: یک مروج با یک کشاورز برای بحث دربارهٔ مسائل کشاورزی حضوراً با هم دیدار می‌کنند در برخی از موارد از طریق تماس تلفنی، نامه و... با هم مذاکره می‌نمایند.

۲- ارتباط جمعی: از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب به صدها، هزاران و میلیون‌ها گیرنده می‌توان پیام‌ها را انتقال داد.

در مورد روش‌های ترویج دو نکته حائز اهمیت است:

۱- مروج با مهارت‌ها و فنون و همچنین با روش‌های آموزشی-ترویجی آشنا باشد. مثلاً دانش فنی لازم را درباره یک نوع برنج جدید بداند و بتواند این دانش را با یکی از روش‌های ترویج انتقال دهد.

۲- شرایط انتخاب روش ترویج مؤثر است. یعنی این‌که مناسب‌ترین روش آموزش و ترویج ممکن است با توجه به شرایط، ترکیبی از روش‌های ترویجی باشد. در اینجا مروج می‌باید با تعیین استراتژی لازم برنامه‌ریزی نماید.

۴- نقش ترویج در توسعه پایدار کشاورزی

با توجه به اهمیت کشاورزی و توسعه پایدار آن، نقش ترویج و مروجان به عنوان عوامل مؤثر در توجیه کشاورزان به عنوان یکی از کاراترین عوامل مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظام ترویج کشاورزی باید با برنامه‌ریزی‌های لازم نسبت به گسترش پایدار کشاورزی به شیوه‌های معقول و رایج و قابل قبول در بین کشاورزان کشورمان اقدام نماید. در این رهگذر توجه به مسائل چند ضروری است:

۱- ابتدا توجه مروجان نسبت به توسعه پایدار کشاورزی ضروری است. تا مروجان به طور کامل و روشن نتوانند منافع بلندمدت و حیاتی این سبک از کشاورزی را درک نمایند، نمی‌توانند آن را به طور صحیح انتقال دهند. حساسیت‌های موجود در ابتدای راه ایجاب می‌نماید که مروجان از منافع بلندمدت و اجتماعی این طرح با کشاورزان گفتگو نمایند. به نظر می‌رسد که وزارت کشاورزی و سایر نهادهای ذی‌ربط باید با برگزاری دوره‌های توجیهی تمامی مروجان در اقصی نقاط کشور را نسبت به اهداف و روش‌های توسعه پایدار کشاورزی آگاه نمایند.

۲- مروجان پس از گذراندن دوره‌های لازم توجیهی نسبت به انتقال اطلاعات و آموخته‌های خویش به کشاورزان اقدام نمایند. مسئله مهم در این ارتباط اطلاع‌رسانی صحیح روشن و ساده به کشاورزان است. اگر مروجان بتوانند اطلاعات لازم را در مورد استفاده کمتر از نهاده‌های شیمیایی و معرفی روش‌های

جایگزین آن و استفاده صحیح از منابع طبیعی مانند خاک و آب در اختیار کشاورزان قرار دهند گام‌های اساسی در این زمینه برداشته خواهد شد.

فصل سوم - کشاورزی در آینه آمار

در این فصل با مرور بعضی از آمارهای کشاورزی سعی خواهد شد که بررسی تطبیقی بین سال‌های ۱۳۷۶ با ۱۳۷۳ یعنی سال قبل از شروع برنامه دوم توسعه انجام شود.

۱- گندم: میزان تولید گندم در سال ۱۳۷۳، ۱۰۸۷۰ هزار تن گزارش شده است. سطح زیر کشت گندم در همین سال ۶۸۷۲ هزار هکتار و متوسط عملکرد ۱/۵۸ تن در هر هکتار بوده است. میزان تولید در سال ۱۳۷۶ به ۱۰۰۴۴ هزار تن کاهش یافت. همچنین سطح زیر کشت در سال ۱۳۷۶ به ۶۲۹۸ هزار هکتار کاهش یافت. در سال ۱۳۷۶ در مقایسه با سال ۱۳۷۳ حدود ۸ درصد کاهش در تولید و همچنین حدود ۸/۵ درصد کاهش در سطح زیر کشت مشاهده می‌شود. متوسط عملکرد به ۱/۵۹ تن در هکتار افزایش یافته است.

۲- جو: میزان تولید جو در سال ۱۳۷۳، ۳۰۴۵ هزار تن گزارش شده است. سطح زیر کشت جو در این سال ۱۷۵۷ هزار هکتار بوده است که بدین ترتیب عملکرد متوسط ۱/۷۳ تن در هر هکتار بوده است.

در سال ۱۳۷۶ میزان تولید جو به ۲۴۹۸ هزار تن کاهش یافت. همچنین سطح زیر کشت نیز در همین سال به ۱۵۰۱ هزار هکتار کاهش یافت. بدین ترتیب تولید جو ۱۸ درصد و سطح زیر کشت آن حدود ۱۵ درصد کاهش داشته است. متوسط عملکرد جو در سال ۱۳۷۶ به ۱/۶۶ تن در هکتار کاهش یافت.

۳- شلتوک برنج: میزان تولید انواع شلتوک در سال ۱۳۷۳، ۲۲۵۹ هزار تن بوده است و این میزان از سطح زیر کشت ۵۶۳ هزار هکتار شالیزار به دست آمده است. متوسط عملکرد حدود ۴ تن در هر هکتار بوده است که رقم قابل توجهی می‌باشد.

در سال ۱۳۷۶، میزان تولید برنج با همان سطح زیر کشت به رقم ۲۳۵۰ هزار تن افزایش یافت. متوسط عملکرد برنج به ۴/۱۷ تن در هکتار افزایش یافت. خوشبختانه تولید برنج در این سال با ۴ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۷۳ روبه‌رو بوده است. در قسمت عملکرد نیز، عملکرد بهتری مشاهده می‌شود.

۴- حبوبات: میزان تولید حبوبات در سال ۱۳۷۳، ۵۵۶ هزار تن گزارش شده است. سطح زیر کشت حبوبات در این سال حدود ۹۴۶ هزار هکتار بوده است که بدین ترتیب متوسط عملکرد حبوبات، ۰/۵۸۷ تن در هر هکتار بوده است (۵۸۷ کیلو).

در سال ۱۳۷۶ میزان تولید حبوبات به ۵۴۵ هزار تن کاهش یافت که نسبت به سال ۱۳۷۳، حدود ۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. این در حالی است که سطح زیر کشت حبوبات از سال ۱۳۷۶ به ۱۰۳۴ هزار هکتار افزایش یافته است که حدود ۹ درصد افزایش را نشان می‌دهد. بدین ترتیب عملکردی معادل ۰/۵۲۷ تن در هکتار (۵۲۷ کیلو در هکتار) مشاهده می‌گردد که نسبت به سال ۱۳۷۳، حدود ۱۱ درصد کاهش نشان می‌دهد.

۵- محصولات جالیزی (شامل: خربزه، هندوانه، خیار و...): در سال ۱۳۷۳ میزان تولید این محصولات برابر با ۳۴۸۳ هزار تن گزارش شده است. سطح زیر کشت این محصولات حدود ۲۳۲ هزار هکتار بوده است که بدین ترتیب عملکرد متوسط ۱۵ تن در هر هکتار را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۶، میزان تولید این محصولات به ۴۶۷۴ هزار تن افزایش یافت که از رشدی معادل ۳۴ درصد

برخوردار بوده است. سطح زیر کشت نیز در این سال به ۲۹۴ هزار هکتار افزایش یافت. که از رشدی معادل ۲۷ درصد برخوردار بوده است. متوسط عملکرد در این سال به ۱۵/۸ تن در هکتار افزایش یافته است.

۶- نباتات علوفه‌ای (بونه و...): میزان تولید نباتات علوفه‌ای در سال ۱۳۷۳ در مجموع ۷۶۱۴ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت این نباتات در مجموع ۱۰۰۳ هزار هکتار بوده است که متوسط عملکرد ۷/۶ تن در هر هکتار را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۶ میزان تولید این محصولات به ۱۰۳۵۲ هزار تن افزایش یافت که رشدی معادل ۳۵ درصد را نشان می‌دهد. سطح زیر کشت این محصولات در سال ۱۳۷۶ به ۱۰۹۰ هزار هکتار رسید که حدود ۸ درصد نسبت به سال ۱۳۷۳ رشد داشته است.

متوسط عملکرد این محصولات در سال ۱۳۷۶، حدود ۹/۵ تن در هر هکتار بود که نسبت به سال ۱۳۷۳ رشد بسیار چشمگیری نشان می‌دهد.

۷- سبزیجات (شامل: سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی و...): در سال ۱۳۷۳، ۷۱۶۰ هزار تن از انواع سبزیجات تولید شده است. سطح زیر کشت این محصولات در سال مذکور، ۳۲۹ هزار هکتار بوده است که بدین ترتیب متوسط عملکرد حدود ۲۱/۷ تن در هر هکتار بوده است.

در سال ۱۳۷۶ میزان تولید این محصولات به ۹۱۵۳ هزار تن افزایش یافت که نسبت به سال ۱۳۷۳ با رشدی معادل ۲۷/۸ روبرو بوده است.

سطح زیر کشت این محصولات در همین سال ۴۱۴ هزار هکتار بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۳، ۲۵ درصد افزایش داشته است. متوسط عملکرد این محصولات در سال ۱۳۷۶، حدود ۲۲ تن بوده است. یعنی حدود ۳۰۰ کیلو در هر هکتار افزایش داشته است.

۸- چغندر قند: میزان تولید چغندر قند در سال ۱۳۷۳، ۵۲۹۵ هزار تن بوده است که از سطح زیر کشت ۲۰۴ هزار هکتار به دست آمده است. متوسط عملکرد چغندر قند در این سال ۲۵/۹ تن در هر هکتار بوده است.

در سال ۱۳۷۶ این میزان به ۴۷۵۴ هزار تن کاهش یافته است که بیش از ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. سطح زیر کشت این محصول در این سال به ۱۹۱ هزار هکتار کاهش یافته که با کاهشی معادل ۶/۵ درصد روبرو بوده است.

متوسط عملکرد در این سال ۲۴/۸ تن در هر هکتار بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۵ درصد کاهش داشته است.

۹- نیشکر: میزان تولید نیشکر در سال ۱۳۷۳، ۲۱۴۴ هزار تن بوده است که از سطح زیر کشت ۲۵ هزار هکتار به دست آمده است. متوسط عملکرد این محصول حدود ۸۵/۷ تن در هر هکتار بوده است. این رقم برای سال ۱۳۷۶ به ۲۰۵۸ هزار تن کاهش یافته است که حدود ۴ درصد کاهش داشته است. سطح زیر کشت این محصول در سال ۱۳۷۶ همان ۲۵ هزار هکتار بوده است و تغییری نسبت به سال ۱۳۷۳ نداشته است. متوسط عملکرد نیشکر در این سال ۸۲/۳ تن در هر هکتار بوده است که حدود ۳/۵ تن در هر هکتار کاهش داشته است.

۱۰- دانه‌های روغنی: میزان تولید دانه‌های روغنی در سال ۱۳۷۳، ۲۸۷ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت این محصولات ۲۰۹ هزار هکتار بوده است که با متوسط عملکرد حدود ۱/۳ تن در هر هکتار مواجه بوده ایم. در سال ۱۳۷۶ این رقم به ۲۶۷ هزار تن کاهش یافته است که حدود ۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. سطح

زیرکشت در این سال ۲۳۳ هزار هکتار بوده است که حدود ۱۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. متوسط عملکرد در این سال به حدود ۱/۱ تن کاهش یافته است.

۱۱- پنبه: میزان تولید پنبه در سال ۱۳۷۳، ۴۰۷ هزار تن بوده است که از سطح زیرکشت ۱۸۱ هزار هکتار استحصال شده است. متوسط استحصال ۲/۲۴ تن و ش پنبه در هر هکتار بوده است.

این رقم در سال ۱۳۷۶ به ۴۰۵ هزار تن کاهش یافته است که با کاهش حدود ۰/۵ درصد روبه‌رو بوده است. سطح زیرکشت پنبه در همین سال ۲۳۸ هزار هکتار بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۳۱ درصد رشد داشته است. متوسط عملکرد پنبه در این سال به ۱/۷ تن در هر هکتار کاهش یافته است که نسبت به سال ۱۳۷۳، ۲۴ درصد کاهش داشته است.

۱۲- توتون و تنباکو: میزان تولید توتون و تنباکو در سال ۱۳۷۳، مقدار ۱۰ هزار تن بوده است که از سطح زیرکشت ۱۲ هزار هکتار به دست آمده است که دارای عملکردی حدود ۰/۸۳ تن در هر هکتار بوده است (۸۳۰ کیلو در هر هکتار). این میزان برای سال ۱۳۷۶، ۲۴ هزار تن بوده است که از ۲۰ هزار هکتار به دست آمده است که از متوسط عملکردی حدود ۱/۲ تن در هر هکتار روبه‌رو بوده است که بدین ترتیب میزان تولید ۱۴۰ درصد رشد داشته است. میزان سطح زیرکشت نیز در این سال ۱۰۰ درصد رشد داشته است.

فصل چهارم - سیاست‌های کشاورزی

۱- سیاست‌های حمایتی

بانگامی به آمارهای ذکر شده متوجه می‌شویم که علی‌رغم اهداف اعلام شده در برنامه دوم توسعه هنوز در بخش تولید محصولات استراتژیک مانند گندم، جو، چغندر قند و... با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم که این مشکلات باعث عدم خودکفایی در تولید این محصولات گردیده است.

با بررسی‌های انجام شده در مورد تحولات آماری روشن می‌گردد که متأسفانه سیاست‌های حمایتی مشخصی برای تولید محصولات اساسی کشاورزی در کشور وجود ندارد.

مثلاً در بخش تولید گندم و جو در سال ۱۳۷۶ سطح زیرکشت به ترتیب ۸/۵ و ۱۵ درصد کاهش داشته است. این در حالی است که سالانه ناگزیر به واردات چندین میلیون تن از این محصولات هستیم. دلایل عدم اقبال و توجه کشاورزان به کشت و تولید گندم، جو و چغندر قند را به‌طور عمده می‌توان در سیاست‌گذاری‌های غلط دولت در سال‌های اخیر جستجو نمود.

به عنوان مثال در مورد چغندر قند در سال ۱۳۷۴ هیچ‌گونه افزایشی در قیمت‌های اعلام شده از سوی دولت مشاهده نشد. به همین دلیل از سطح زیرکشت زمین‌های زراعی این محصول کاسته شد و این اراضی به محصولات جالیزی و سبزیجات اختصاص یافت که در نتیجه صنایع تبدیلی وابسته به این بخش با رکود مواجه گردید و دولت ناچار به واردات شکر افزون‌تر از سال‌های پیش گردید.

همچنین در مورد گندم و جو هم وضع به همین منوال است. یعنی در اثر پایین بودن قیمت‌های تضمینی اعلام شده و نبود قیمت تضمینی تعادلی در مورد گندم و به ویژه جو، تولید این محصولات در سال‌های اخیر با کاهش مواجه شد.

زمانی که کشاورزان نتوانند قیمت مورد انتظار خویش را با توجه به تمامی هزینه‌های تولید و تورم

روزافزون در سایر هزینه‌های زندگی دریافت نمایند، آنگاه انگیزه اقتصادی موجب می‌گردد که به سمت تولید محصول جاذب‌تری برای بازار تولید گام بردارند.

این در حالی است که حتی در مواردی که برای محصول استراتژیکی نظیر جو، قیمت اعلام شده از سوی دولت وجود دارد، دولت به دلیل مشکلات بودجه‌ای نمی‌تواند این محصول را خریداری نماید و در نهایت کشاورزان ناچارند که محصول تولیدی خود را زیر قیمت اعلام شده در بازار به فروش برسانند (به عنوان نمونه امسال این اتفاق رخ داده است).

بدین ترتیب باید منتظر بود که هر ساله تولید این محصول کمتر بشود و کشاورزان به سمت جایگزین نمودن این محصول سوق داده می‌شوند.

در تمامی موارد فوق فقدان برنامه‌ریزی مشخص از سوی دولت به چشم می‌خورد. وزارت کشاورزی باید با تعیین نیازهای کشور به محصولات اساسی نظیر گندم، جو، چغندر قند و... زمینه‌های تشویق کشاورزان را از طرق گوناگون سیاست‌های حمایتی به سمت تولید این محصولات فراهم آورد. اهرم‌هایی نظیر: تعیین قیمت تضمینی مناسب برای خرید باتوجه به واقعیات بازارهای داخلی و جهانی (قیمت تعادلی)، اختصاص نهاده‌های شیمیایی مثل کود و سم به کشاورزانی که مبادرت به تولید این محصولات می‌نمایند و تعیین جایزه متناسب برای تولید این محصولات همگی مسائلی هستند که می‌توانند زمینه‌های تشویق کشاورزان را به تولید محصولات فوق فراهم آورند.

۲- متوسط عملکرد در هکتار

یکی از مسائل قابل توجه در کشاورزی کشورمان مسئله متوسط عملکرد تولید در هکتار بعضی از محصولات است که نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر ضعیف و غیر قابل قبول می‌باشد.

مثلاً درحالی که متوسط عملکرد گندم در ایران در سال گذشته حدود ۱/۶ تن در هکتار بوده است رکود جهانی آن بیش از ۷ تن و حتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم بیش از ۲ تن است که دلیل آن را می‌توان در ساختار تولید سنتی و نیمه سنتی محصولات کشاورزی در ایران دانست.

وجود عملکردهای خوب و البته متأسفانه موردی مانند آمارهای اعلام شده مربوط به کشاورزان نمونه امسال که ۱۱/۸ تن گندم در هر هکتار بوده است نشان می‌دهد که تمامی زمینه‌ها و امکانات برای جهش در متوسط عملکرد تولید برای این محصولات فراهم است.

البته طبیعی است که سطح متوسط عملکرد با موارد پراکنده و موردی اختلاف داشته باشد لکن این اختلاف باید در حد معقولی باشد.

آمار عملکرد کشاورزان نمونه که از نگاهی بسیار خوشحال کننده است از نگاهی دیگر در مقایسه با عملکرد پایین دیگر کشاورزان می‌تواند بسیار تکان دهنده باشد.

مثلاً درحالی که متوسط عملکرد چغندر قند در کشور در سال ۱۳۷۶ حدود ۲۵/۵ تن بوده است کشاورز نمونه امسال توانسته است حدود ۹۵ تن چغندر در هکتار تولید نماید یعنی ۳/۸ برابر میزان متوسط. آیا نمی‌توان چنان برنامه‌ریزی نمود که میزان متوسط برداشت را برای کل کشور به نصف این مقدار یعنی حدود ۴۵ تن رسانید. این میزان برای بعضی از کشورهای توسعه یافته مانند آلمان حدود ۱۲۰ تن در هر هکتار گزارش شده است.

به هر حال مشکل فوق، مسئله‌ای است که قابل تعمق است و باید با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌جستن از تمامی ابزارهای ممکن نظیر آموزش و ترویج، مکانیزاسیون، نهاده‌های کشاورزی، آب، اصلاح زمین، نوع کشت و... حل شود تا بتوان انتقال کشاورزی سنتی و نیمه سنتی کشور به کشاورزی تجاری را تسهیل نمود و از تمامی عوامل تولید به نحو بهینه استفاده کرد.

فصل پنجم - نمونه‌های کشاورزی

۱- کشاورز نمونه

از سال ۱۳۶۳ به بعد همه ساله نسبت به انتخابات و معرفی برگزیدگان کشاورزی اقدام می‌گردد که بیشتر جنبه تشویقی و ایجاد انگیزه و همچنین رقابت سالم در بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی را دارد. در سال ۱۳۶۳ که سال اول این انتخاب بود فقط ۵۰ کشاورز نمونه انتخاب گردید. در سال‌های بعد این روند سیر صعودی را طی نمود و در سال‌های اخیر مروجین و کارشناسان نمونه کشاورزی نیز انتخاب و معرفی می‌شوند.

امسال ۱۰۵ نفر از کشاورزان و تولیدکنندگان زراعی و محصولات باغی، کارشناسان، مروجان، مدیران تشکل‌های کشاورزی و صادرکنندگان نمونه محصولات کشاورزی معرفی می‌شود. از میان ۱۰۵ نفر فوق حدود ۱۱ نفر یعنی ۱۰ درصد کل زن هستند که نسبت به سال گذشته حدوداً ۳ برابر شده‌اند.

رکودهای کشاورزان نمونه در قسمت تولید زراعی به شرح زیر بوده است:

تولید کننده برتر گندم: ۱۱/۵ تن گندم در هر هکتار کشت آبی.

تولید کننده برتر جو: ۹ تن جو در هر هکتار کشت آبی.

تولید کننده برتر برنج: ۱۲ تن شلتوک برنج در هر هکتار.

تولید کننده برتر پنبه: ۶ تن وش پنبه در هر هکتار.

تولید کننده برتر دانه‌های روغنی: ۴/۵ تن دانه‌های روغنی در هر هکتار.

تولید کننده برتر سیب‌زمینی: ۸۵ تن سیب‌زمینی از هر هکتار.

تولید کننده برتر پیاز: ۱۳۵ تن پیاز از هر هکتار.

تولید کننده برتر لوبیا: ۵/۵ تن چغندر قند از هر هکتار.

تولید کننده برتر چغندر قند: ۹۵ تن چغندر قند از هر هکتار.

تولید کننده برتر یونجه: ۲۵ تن یونجه خشک از هر هکتار.

که این ارقام هر کدام چند برابر حد متوسط عملکرد تولید و در هر هکتار در کشور می‌باشد.

۲ صادرکننده نمونه محصولات پسته و سیب درختی نیز در میان افراد فوق قرار دارند.

۲- هفته کشاورزی

روزهای هفته کشاورزی به شرح زیر نام‌گذاری گردیده‌اند:

اول دی ماه، روز کشاورزی، تحقیق، آموزش و ترویج.

دوم دی ماه، روز کشاورزی و مجلس.

سوم دی ماه، روز کشاورزی و تجهیز منابع و سرمایه گذاری.
چهارم دی ماه، روز کشاورزی، صنایع تبدیلی و توسعه صادرات.
پنجم دی ماه، روز کشاورزی و توسعه پایدار.
ششم دی ماه، روز تعاونی‌هایی روستایی و تشکل‌های تولیدی.
هفتم دی ماه، روز کشاورزی و اشتغال جوانان و زنان روستایی.

۳- قابلیت‌های کشاورزان نمونه

نکته قابل توجه در مورد کشاورزان نمونه این است که دولت باید سعی کند تشکلی از این افراد را ایجاد نماید و با برنامه‌ریزی جهت آموزش آنها سعی شود به عنوان کمک مروج یا به اصطلاح مددکار ترویج، تجارب این افراد به سایر کشاورزان در محدوده مکانی این افراد انتقال یابد و از سوی دیگر با ایجاد انگیزه برای این افراد سعی شود که رکوردهای آنها هر ساله تکرار شود.

در کشورهای توسعه یافته یک نمونه روستایی نقش‌های متعددی را به عهده دارد. ذیلاً به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱- نقش‌های واسطه‌ای جهت انتقال اطلاعات

در این کشورها اطلاعات لازم فنی و ترویجی از طریق این افراد به سایر کشاورزان منتقل می‌شود. چنانکه ذکر شد این افراد می‌توانند به عنوان مددکار ترویجی نیز مورد استفاده قرار بگیرند و پاره‌ای از این فعالیت‌ها نظیر، جلب مشارکت مردم در برنامه‌های آموزشی، ترویجی، نشر نوآوری‌های فنی در میان کشاورزان و... توسط این افراد صورت پذیرد.

۲- نمونه‌های روستایی به عنوان الگوی فنی

نمونه‌های روستایی با آموزش‌های لازم در کشورهای توسعه یافته موارد زیر را به عهده می‌گیرند:

- حل مشکلات فنی دیگر کشاورزان؛
- ارائه توصیه و رهنمودهای لازم جهت افزایش عملکرد سایرین؛
- انتقال نیازها، مسائل و مشکلات فنی کشاورزان به مراجع ذی صلاح.

۳- نمونه‌های روستایی به عنوان برگزیدگان فکری روستا

در این نقش از قابلیت تأثیرگذاری فکری این افراد بر سایر تولیدکنندگان زراعی و کشاورزان استفاده می‌شود.

مواردی نظیر:

- ایجاد زمینه‌های فکری لازم در سایرین جهت مشارکت در برنامه‌های توسعه؛
 - ایجاد زمینه‌های لازم، جهت پذیرش و به کارگیری ایده‌های نو؛
- از طریق این افراد به بهترین نحو انجام می‌پذیرد.